

خاک از دیدگاه قرآن

مرتضی امامی خلیل‌آبادی

مربی دانشگاه شهرکرد

مقدمه

قرآن تنها کتاب هدایت و تربیت است. اما از آنجا که صاحب سخن آگاه به تمامی علوم و حقایق است، بی‌تردید می‌توان از مثال‌ها و برخی اشاره‌هایی که به هدف تربیت و یا عبرت‌گیری آدمیان در آن آمده است، شواهدی از سایر علوم و از جمله «خاک شناسی» نیز بدست آوریم. استعداد قرآن در زمینه راهنمایی و کشف بسیاری از علوم حتی دانشمندان اروپایی را نیز به‌ندیشه واداشته تا آنجا که در مواردی از مسلمانان نیز پیشی گرفته‌اند که جای بسی تأسف است. اینک که به توصیه‌ی رفیقی به مقاله «خاک از دیدگاه قرآن» پرداختم، باور نمودم که اگر مجالی داشتیم و زمینه‌ای، جای آن داشت که در بلندای آسمان تفاسیر این آیات بال‌گشاییم و فاصله خاک تا افلاک را با دو بال علم و ایمان بییمائیم. در دوازده آیه قرآن، واژه «طین» (گل) آمده، در بیست مورد صراحتاً کلمه «تراب» (خاک) به‌کار رفته است و در بسیاری دیگر از آیات، «ارض» (زمین) به معنای خاک (=محل رویش گیاه)، استعمال شده است. که با بررسی این آیات می‌توان به نکات ارزشمندی در حوزه «خاک شناسی» دست یافت.

به‌سوی ما نظری کن که خاک راه توایم

ستاره سوخته‌ای چند در پناه توایم^۱

سخن را از داستان خلقت انسان آغاز نماییم؛ هنگام آفرینش انسان، پروردگار به فرشتگان گفت: من بشری را از گل خواهم آفرید. پس چون او را کاملاً درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده‌کنان برای او به خاک درافتید. فرشتگان یکسره سجده کردند مگر ابلیس که تکبر نمود و از کافران شد. خداوند فرمود: ای ابلیس! چه مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از جمله برتری جویانی؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گل آفریدی...^۲

اگر چه مقایسه شیطان در ظاهر درست می‌نمود چرا که خداوند خود انسان را از گل خشکیده سفال مانند و جنیان را هم که ابلیس از جنس آنان است - از تشعشع آتش خلق نموده است^۳، اما این دلیل و مقایسه^۴،

بزرگترین اشتباه بود، اگر نگوییم بزرگترین دروغ بود، زیرا علاوه بر آنکه عظمت انسان نه به لحاظ تنها عناصر مادی که به لحاظ روح الهی ودیعه در وی است، خاک نیز به مراتب برتر از آتش است. و این خوی همه متکبران است که همواره برای توجیه زشتکاری‌های خویش دلیل‌آوری می‌نمایند آنگونه که شاید خودشان هم باور نمایند، حال آنکه ریشه‌های انحراف آنان نه در اعتقاد و باورها که در رزائل اخلاقی‌شان نهفته است.

در ظاهر و نگاه سطحی آتش از خاک بهتر به نظر می‌آید، زیرا علاوه بر حرارت و نور و ابهت و جلال، شاید یکی از شرایط تجزیه و یا ترکیب موجودات نیز باشد و زمین نیز در آغاز پیدایش، آن‌هنگام که از خورشید جدا گردید، گوی آتشی بود که به تدریج خاموش و سرد گردید، اما با نگاهی عمیق باید توجه نمود که در تجزیه و تحلیل سایر موجودات نقش اصلی بر عهده خاک است و آتش تنها وسیله‌ای برای تکمیل آن است. و همچنین زمین آن‌هنگام که شعله‌ور بود، فاقد هرگونه حیات و موجود زنده بود و از آن زمان که خاک و گل جای آتش را گرفت، حیات و زندگی در این کره خاکی پیدا شد. علاوه آنکه هر آتشی که یافت گردد، از موادی که منشأ پیدایش آن است نظیر درختان، و مواد نفتی و دیگر سوخت‌هایی که بازگشت به خاک یا حیواناتی که از نبات تغذیه دارند می‌نماید.

خاک و استعداد های گوناگون

قرآن با نگاهی متفاوت گاه، خاک را نماد پست‌ترین موجودات و گاه نشانه عظمت و قدرت پروردگار تعریف می‌کند. در آخرین آیه سوره نبا می‌فرماید:

« ما شما را از عذایی نزدیک هشدار دادیم؛ روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد، و کافر گوید «کاش من خاک بودم»^۵

و در فراز آخر آیه‌ای دیگر که سخن از قابلیت اعجاب انگیز خاک دارد، می‌فرماید:

« و در خاک نشانه‌هایی از قدرت پروردگار برای خردورزان نهفته است،^۶»

نکته آموزنده این تضاد (=پستی و عظمت) آنست که خاک در ظاهر پست، آنگاه که موضوع تفکر و تعقل قرارگیرد، یکی از آیات بزرگ الهی محسوب می‌گردد. بی‌تردید خداوند موجودی را آیت (= نشانه بزرگ یا

۵- «إنا أنذرناکم عذاباً قریباً، یوم ینظر المرء ما قدمت یداه و یقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً نبأ»^۴

۶- «ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون...»^۶ ج ۲، ص ۶۰

۱. کلیات طالب آملی

۲. ترجمه آیات ۷۱، ۷۶ سوره ص

۳. الرحمن، ۱۵، ۱۴

۴. البته قیاس مذموم در فرهنگ شیعی، تشبیه دو موضوع به یکدیگر به خاطر شباهت در بعضی جهات است بدون آنکه اسرار حکم اول را بدانیم. امام صادق (ع) به ابوحنیفه فرمود: لاتقس فإن اول من قاس ابلیس (قیاس مکن که نخستین قیاس کننده شیطان بود)، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۶۰.

از جمله عناصر لازم بدن که در زمین نیز یافت می‌شود عبارتست از: کلسیم، سدیم، پتاسیم، آهن، مولیبدن، گوگرد، کامپول، کبالت، منیزیم، منگنز، روی، آلومینیم، روییدم که البته عناصری همچون اکسیژن، کربن، نیتروژن و هیدروژن نیز به مقدار زیادی در بدن وجود دارند. و به هر حال آنگونه که عبدالفتاح طباره ادعا نموده: علم جدید، بنیان ساختمان وجود انسان را از خاک می‌داند.^{۱۱}

به هر حال آنچه میرهن است اینکه خاک هم منشأ حیات، و هم محل بازگشت قفس تن در جایگاه گور و هم محل نشور انسان است:

«از این خاک شما را آفریدیم، در آن شما را باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم.»^{۱۲}

احیای خاک

«و از نشانه‌های او این است که تو زمین را فسرده

می‌بینی و چون باران بر آن فرو ریزیم به جنبش درآید و برودم...»^{۱۳}

«و زمین مرده، برهانی است برای ایشان، که آن را

زنده گردانیم و دانه از آن برآوریم که از آن می‌خورند.»^{۱۴}

در این آیات خداوند، اشاره به جنبش (اهتراز) طراوت و افزایش حجم خاک در هنگام زنده شدن آن (فصل بهار) می‌نماید.

زنده شدن و حیات یافتن زمین، که آیت الهی و از مهمترین دلایل توحید است، مسئله پیچیده و شگفت‌انگیزی است که اندیشمندان را متحیر نموده و علیرغم تمامی پیشرفت‌ها هنوز کاملاً روشن نگردیده که چه قوانین مرموزی بر بذره‌های گیاهان و طبقات مختلف آن حاکم است که به هنگام فراهم شدن شرایط مساعد به حرکت درآمده، رشد نموده، ذرات زمین مرده را جذب کرده و از این طریق موجودات مرده را تبدیل به بافت‌های موجود زنده می‌کند، آنگونه که هر بار جلوه تازه‌ای از حیات را به نمایش نهند. عبدالفتاح طباره در این باره می‌نویسد:

«زمین دارای منفذها و روزنه‌های است که هوا به داخل آن نفوذ کرده و هنگام ریزش باران آب به داخل این روزنه‌ها رخنه کرده و جانشین هوای موجود می‌گردد و اجزای خاک نیز به تأثیر نیروی حرکتی آب جا به جا شده و تغییر مکان می‌دهند و این باعث جابه‌جایی و حرکت خاک می‌شود. علم شیمی نیز ثابت نموده که خاک توسط آب گسترده و منبسط شده و هنگام

معجزه) ذکر می‌کند که در آن استعداد و آثاری از عظمت پروردگار وجود داشته باشد.

آنچه روشن است اینکه در این مقال اندک نمی‌توان به توضیح کلیه آیاتی که به اهمیت خاک و دیگر عناصر طبیعی که نقش اساسی در پیدایش و زیست انسان و همچنین حفاظت و نگهداری این آیت بزرگ الهی و بهره‌برداری و تربیت آن در راستای تأمین امنیت غذایی انسان دارند پرداخت و تنها از باب: آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید، با تکیه بر دانش مخاطبان آشنا، به برخی آیات اعجازگونه این خصوص، ایجازگونه اشاره می‌کنیم.

الف. خاک منشأ حیات

برخی از آیات به خلقت انسان از خاک و برخی از آب و برخی دیگر به معجونی از خاک و آب یعنی گل اشاره دارند.

«او همان کسی است که شماراز خاک آفرید، سپس از نطفه‌ای...»^{۱۵}

«و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم»^{۱۶}

«و اوست کسی که از آب، بشری آفرید»^{۱۷}

در این آیات خداوند آفرینش آدم را - که کاملترین نوع موجود زنده است- به وسیله معجونی از عناصر خاک و آب (=گل) به خود نسبت داده، هر چند خلقت نوع نازلتر موجودات دارای حیات (=حیوان) را به اذن خویش به خلیفه خود نیز وا نهاده است:

«من از گل برای شما چیزی به شکل پرند می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرندهای می‌شود...»^{۱۸}

اما در اینکه چرا منشأ آفرینش و خلقت نوع بشر را قرآن، خاک یا گل بیان نموده حال آنکه از آب (=صنی) به وجود آمده است، برخی چنین گفته‌اند که این انتساب به لحاظ آن است که مواد غذایی که نطفه را تشکیل می‌دهند از خاک است.

هر چند بخش مهمی از بدن انسان را اکسیژن و کربن که از خاک نیستند تشکیل می‌دهد اما از آنجا که استوانه اساسی پیکره آدمی را عناصری که خاکیند تشکیل می‌دهند، این تعبیر که «آفرینش انسان از خاک است»، صحیح می‌نماید.

تمام چیزهایی که به جسم آدمی حیات می‌بخشد، از قبیل میوه‌جات، سبزیجات، غلات، خشکبار، گندم، برنج، و خلاصه آن چه موتور بدن را به کار می‌اندازد، همه، از خاک گرفته شده‌اند. نطفه انسان نیز، خود، مولود غذاهای گوناگون است که مستقیماً از خاک مایه می‌گیرد.

۱۱. به نقل از دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، اشارات علمی ص ۱۵۴

۱۲. منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری طه/۵۵

۱۳. و من آیاته انک تری الارض خاشعه فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربث...فصلت/۳۹

۱۴. «و آیه لهم الارض الحیثه احیینها و اخرجنا منها حیا فتمنه یا کلون پس/۲۳۱»

۱۵. هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفه... غافر/۶۷

۱۶. و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین مؤمنون/۱۲

۱۷. و هو الذی خلق من الماء بشرا فرقان/۵۴

۱۸. «و انی اخلق لکم من الطین کهنه الطیر فانفخ فیہ فیکون طیرا یاذن الله...آل عمران/۴۹»

خشکی منقبض می‌شود و معنی حرکت خاک همین افزایش و کاستی حجم آن است.^{۱۵}»

به آیه ذیل توجه نمایید:

« او کسی است که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد تا زمانی که ابرهای سنگین، بار را (بردوش خود) حمل کنند در این هنگام آنها را به سوی سرزمین‌های مرده می‌فرستیم و به وسیله آن، آب(حیاتبخش) نازل می‌کنیم و با آن هر گونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم...»^{۱۶}

ب. خاک تأمین کننده خوراک

«... و اخرجنا منها حبا فمنه یا کلون یس/۳۳»، « و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند »

جمله «فمنه یا کلون» حاوی دو نکته است: اول اینکه «من» به معنی بعض است، بنابر این، انسان از بخشی از دانه‌های گیاهی تغذیه می‌کند، و بعضی دیگر قابل تغذیه برای انسان نیست، ولی فواید دیگری دارد مانند: تغذیه حیوانات، ساختن مواد دارویی و امور دیگری که در زندگی انسان کاملاً مورد استفاده است. و دوم اینکه با مقدم داشتن «منه» بر «یا کلون» که معمولاً برای حصر می‌آید، این نکته روشن می‌گردد که بیشترین تغذیه انسان از مواد گیاهی است. و در آیه بعد می‌فرماید:

« ما در زمین باغ‌هایی از نخل‌ها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن بیرون فرستادیم.»^{۱۷}

آیه گذشته سخن از دانه‌های غذایی بود و ایجا از میوه‌های نیروبخش و مغذی سخن می‌گوید که دو نمونه بارز و کامل آنها خرما و انگور است که هر یک غذایی کامل محسوب می‌شوند.

این نکته نیز قابل توجه است که در آیه قبل تنها تعبیر به احیای زمین‌های مرده‌ای شده بود که معمولاً با نزول باران همراه است. ولی در این آیه سخن از چشمه‌های آب جاری به میان آمده، زیرا برای بسیاری از زراعت‌ها، آب باران به تنهایی کافی نیست، در حالی که درختان میوه معمولاً نیاز به آب جاری نیز دارند.

ج. اصلاح و تربیت خاک

« و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می‌گردند و با این همه برخی از آنها را در میوه (از حیث مزه و نوع و کیفیت) بر برخی دیگر

برتری می‌دهیم بی گمان در این امر نیز برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل روشنی است.^{۱۸}»

در آیه دیگر:

« و سرزمین پاکیزه(وشیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید اما سرزمین‌های بد طینت (وشوره زار) جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی‌روید. این گونه آیات را برای آنها که شکرگزارند بیان می‌کنیم.»^{۱۹}

و در آیه دیگر:

« آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند یا کسی که آسمان و زمین را آفرید؟ و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغ‌هایی زیبا و سرور انگیز رویانیدیم، و شما قدرت نداشتید درختان در آن برویانید، آیا معبود دیگری برای خداست؟ نه، آنها گروهی هستند که (از روی نادانی) مخلوقات خدا را هم ردیف اوقرار می‌دهند.»^{۲۰}

حائقی جمع حدیقه به طوری که بسیاری از مفسران گفته‌اند به معنای باغی است که اطراف آن دیوار کشیده باشند و از هر نظر محفوظ باشند، همچون حدیقه چشم که در میان پلک‌ها محصور است. راغب در مفردات می‌گوید: حدیقه در اصل به زمینی گویند که آب در آن جمع شده است، همچون حدیقه چشم که همیشه در آب قرار دارد.

روشن است که آنچه گفته شده تنها بررسی جنبه‌های مادی خاک بود در حالی که خاک از جنبه‌های معنوی نیز قابل مطالعه و بررسی است که پرداختن بدان در حوصله این مقاله نمی‌گنجد.

۱۵. به نقل از پایه‌های اساسی شناخت قرآن، عبدالفتاح طبار، ترجمه محمد رسول دریایی، انتشارات قلم

۱۶. و هو الذی یرسل الریح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت سبحا یا تقالا سقناه لیلد میت فأنزلنا به الماء فأخرجنا به من کل الثمرات کذلک تخرج الموتی لعلکم تذکرون اعراف/۵۷

۱۷. وجعلنا فیها جنات من نخیل و اعناب و فجرتنا فیها من العیون یس/۳۴

۱۸. وفي الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل و صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد و نفضل بعضها علی بعض فی الاکل ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون. رعد/۴.

۱۹. والبلد الطیب یخرج نباته بادن ربه و الذی خبت لا یخرج الا نکدا کذلک تصرف الآیات لقوم یشکرون. اعراف/۵۸.

۲۰. أمن خلق السموات و الارض و انزل لکم من السماء ماء فأنسنا به حدائق ذات بهجة ما کان لکم ان تنبتوا شجرها عاله مع الله، بل هم قوم يعدلون. نمل/۶۰